

تبیین ضرورت پیوست‌نگاری فرهنگی طرح‌های کلان فضای مجازی

نویسندگان: سید حسن موسوی^۱

مهدی ناظمی اردکانی^۲

فصلنامه (علمی-تخصصی) مطهر، سال پانزدهم، شماره ۴۴، بهار ۱۳۹۷

چکیده

تدوین و اجرای پیوست فرهنگی در جامعه، برای رسیدن به توسعه پایدار انسانی با محوریت فرهنگ ایرانی، اسلامی در راستای مهندسی و مدیریت فرهنگی جامعه، امری ضروری است. پیوست فرهنگی فضای مجازی در جهت حفظ میراث فرهنگی، شیوه زندگی اسلامی و ایرانی، تقویت ارزش‌های والای ایرانی و اسلامی، بهبود مستمر و توجه به اعتقادات، ارزش‌ها و جهان‌بینی اسلامی در روابط کاربران فضای مجازی بوده و هویت مشترک بر مبنای ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی و ایرانی برای مقابله با سبک زندگی غربی را در حوزه مدیریت ارتباطات، پایه‌ریزی می‌کند. با ایجاد چنین زمینه‌هایی در فضای مجازی، کنترل و نظارت بر نابسامانی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با تکیه بر هویت اسلامی، ایرانی امکان‌پذیر شده و کمک مؤثری بر توسعه همه‌جانبه و پایدار خواهد داشت. شناخت کافی در مورد نیازهای پایدار ارتباطات، همراه با ارزیابی و آموزش‌های فرهنگی مداوم و مستمر در حوزه اجرای طرح‌ها در راستای این فرآیند، باید مورد اهتمام قرار گیرد. توسعه فرهنگ فضای مجازی از طریق فرآیند پیوست فرهنگی منجر به پیشرفت زندگی جامعه با هدف تحقق ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی خواهد شد. در این مقاله، با مرور بر یافته‌های تحقیقات انجام شده، با استفاده از روش اسنادی و مطالعه کتابخانه‌ای، ضرورت پیوست‌نگاری فرهنگی فضای مجازی، تبیین می‌شود.

واژگان کلیدی: پیوست فرهنگی، مهندسی فرهنگ، مهندسی فرهنگی، مدیریت فرهنگی، فضای مجازی.

Email: sayyedhassan@chmail.com

۱. کارشناس ارشد رشته مدیریت فرهنگی، دانشگاه جامع امام حسین ۷.

Email: nazemi32@yahoo.com

۲. دانشیار دانشگاه جامع امام حسین ۷.

۱. مقدمه

هر جامعه‌ای در روند رو به رشد خود، در جهت تأمین نیازها و خواسته‌هایش، باید به تمام اجزای توسعه پایدار، توجه کامل داشته باشد؛ در غیر این صورت، دچار عقب ماندگی فرهنگی خواهد شد. بر این اساس، از بُعد جامعه‌شناسی «از آنجایی که الگوهای فرهنگی یک جامعه، از شیوه‌های رفتاری، نهادها و سایر عناصر به هم پیوسته و منسجم، تشکیل شده است، تغییر در بخشی از فرهنگ (اختراع، رشد جمعیت و یا پیدایش هر چیز نو یا متفاوت) سبب ایجاد تغییرات، تنش‌ها و فشارهایی در سایر قسمت‌های فرهنگ خواهد گردید». در این حالت، ضرورت و یا نیاز به تطابق و تنظیم مجدد که سبب خواهد شد تا فرهنگ به تعادل جدید برسد، احتمالاً منجر به دگرگونی‌های تطابقی خواهد گردید (محسنی، ۱۳۷۸: ۹۶).

توسعه در جامعه ما بعد از انقلاب و پایان جنگ تحمیلی بیشتر به سمت رویارویی ارزش‌های انقلاب اسلامی، فرهنگ ایرانی، اسلامی با فرهنگ غربی گرایش یافته است و باعث تضادها، تصادم‌ها و برخورد در فرهنگ عمومی جامعه شده است. بر این اساس، سؤال اساسی این است که اجرای پیوست فرهنگی در فضای مجازی، دارای چه نقش و وظایفی است؟ پیوست فرهنگی به عنوان ابزاری کارساز در پیوند مدیریت راهبردی فرهنگی و مدیریت اجرایی فناوری ارتباطات دارای چه اثراتی است؟ مهمترین راهکارها و راهبردهای بسترسازی این فرآیند در مدیریت اجرایی، راهبردی و فرهنگی فضای مجازی چیست (رضایی، ۱۳۹۱: ۲۸)؟

پیوست فرهنگی از مفاهیم بنیادی و راهکارهای اساسی در جهت نهادینه‌سازی رویکرد فرهنگی در مدیریت همه عرصه‌های کشور بود و توسط مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۶ در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح گردیده است. ایشان به تهیه پیوست فرهنگی برای کلیه طرح‌های اقتصادی، صنعتی، مالی، اجتماعی و سیاسی تأکید کرده‌اند. بر این اساس، تهیه شیوه‌نامه پیوست فرهنگی مورد توجه اعضاء محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفته است. مراکز عمده سیاست‌گذاری در جامعه اسلامی ایران، از جمله در حوزه فناوری ارتباطات و فضای مجازی، این موضوع را باید سرلوحه فعالیت‌های خود قرار دهند و لازم است مراکز تحقیقاتی و پژوهشگران در این زمینه، تلاش علمی و فکری نمایند. توجه به بُعد عملیاتی و تأثیرگذاری پیوست فرهنگی در عرصه مدیریت کشور، از مهم‌ترین شاخص‌های اساسی گسترش عملی و کاربردی فرآیند پیوست نگاری فرهنگی در عرصه‌های مختلف، از جمله فضای مجازی می‌باشد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۹/۱۷). در این مقاله، با توجه به ضرورت‌های مدیریت تحولات فرهنگ مجازی بر محور فرهنگ

اسلامی و ایرانی، سعی در تبیین چرایی و چیستی پیوست فرهنگی در فضای مجازی از بُعد مطالعات فرهنگی و اجتماعی خواهیم داشت.

۲. پیشینه پیوست فرهنگی

در زمینه آثار فرهنگی به صورت بین‌المللی، فعالیتی ویژه صورت نگرفته است؛ زیرا شاخص‌ها و ملاک‌های فرهنگ در هر کشور و یا منطقه، متفاوت است و نمی‌توان نسخه‌ای کلی برای همه کشورها ارائه نمود (درخشان و طغیانی، ۱۳۹۴)؛ اما در سال‌های گذشته، در ذیل مطالعات فرهنگی در کشورمان، الزاماتی نیز برای طرح‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و ... طراحی و تدوین شده است (رضایی، ۱۳۸۸: ۲۹).

در حقیقت، ارزیابی تأثیر به معنای تحلیل نظام یافته تغییرات پایدار یا مهم در زندگی مردم است که در نتیجه عمل یا مجموعه اعمال معینی به وجود می‌آید و ارزیابی تأثیر، دارای ابعاد مختلفی است؛ از جمله: ارزیابی تأثیر محیطی، ارزیابی تأثیر اجتماعی، ارزیابی تأثیر بهداشتی، ارزیابی تأثیر اقتصادی، ارزیابی تأثیر برابری و ارزیابی تأثیر فرهنگی. این ابعاد (باینگانی، ۱۳۸۹: ۷) به صورت جمع‌بندی شده و به اختصار، بیان می‌شود:

۱. ارزیابی تأثیر محیطی^۱ که به معنای ارزیابی تأثیرات مثبت و منفی مختلفی است که یک پروژه پیشنهادی می‌تواند بر محیط - شامل محیط طبیعی و محیط اقتصادی و اجتماعی - داشته باشد. انجمن بین‌المللی ارزیابی تأثیر، ارزیابی تأثیر محیطی را به عنوان فرآیند شناسایی، پیش‌بینی، ارزیابی و تعدیل تأثیرات زیست‌محیطی، اجتماعی و سایر تأثیرات ناشی از طرح‌های توسعه، قبل از انجام تصمیمات و اقدامات، تعریف کرده است (همان).

۲. ارزیابی تأثیر اجتماعی^۲ که به معنای فرآیند شناسایی نتایج و پیامدهای یک اقدام پیشنهادی یا یک اقدام در دست اجرا بر زندگی افراد، سازمان‌ها و نظام‌های کلان اجتماعی است.

۳. ارزیابی تأثیر بهداشتی^۳، به معنای استفاده ترکیبی از رویه‌ها، روش‌ها و ابزارهاست که از طریق آن‌ها تأثیرات بالقوه سیاست‌ها، طرح‌ها و برنامه‌ها بر بهداشت افراد و توزیع تأثیر آن بر جمعیت، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بحث، مقوله بهداشت، شامل دو جنبه بهداشت جسمی و بهداشت روانی می‌باشد.

۴. ارزیابی تأثیر اقتصادی^۴، نیز ابزاری است برای ارزیابی میزان تغییراتی که یک طرح یا برنامه می‌تواند به همراه داشته باشد.

1. Environmental Impact Assessment: EIA.
2. Social Impact Assessment: SIA.
3. Health Impact Assessment: HIA.
4. Economic Impact Assessment: EIA.

۵. ارزیابی تأثیر برابری^۱ به فرآیندی گفته می‌شود که تضمین می‌کند سیاست‌ها، طرح‌ها یا پروژه‌ها باعث ایجاد تبعیض در میان محرومین و بی‌بضاعت‌ها نخواهد شد؛ یعنی اقشاری که گروه‌های هدف برابری نامیده می‌شوند.

۶. ارزیابی تأثیر فرهنگی^۲ نیز به معنای ارزیابی تأثیرات طرح، پروژه یا برنامه‌ای بر باورها، ارزش‌ها یا کردارها و سایر نهادهای فرهنگی جمعیت خاصی است که آن اقدام، قرار است بر روی آن انجام شود (همان).

در کشور ما بحث ارزیابی تأثیر فرهنگی، اولین بار با عنوان «پیوست فرهنگی» ارائه شده و به دنبال موضوعات راهبردی و مهم «مهندسی فرهنگ»، «مهندسی فرهنگی» و «مدیریت فرهنگی» از سوی مقام معظم رهبری مطرح شده است (رضایی، ۱۳۸۸: ۲۹). طراحان، قبل از اجرای هر طرح، باید بسترسازی فرهنگی برای بهره‌برداری از طرح را انجام دهند، از این جهت، ضرورت و اهتمام به تهیه پیوست فرهنگی برای هر طرح، مشخص می‌شود. در ثانی، اجرای پروژه‌ها، بر فرهنگ اجتماع، اثرگذار است و باعث دگرگونی در متغیرهای فرهنگی اجتماعی خواهد شد. مقام معظم رهبری، در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، بیان فرموده‌اند که «ایران، کشوری توسعه‌یافته، دارای جایگاه یک اقتصادی، علمی فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل خواهد بود» (سند چشم‌انداز توسعه ۲۰ ساله). بر این اساس، مدیران اجرایی و فرهنگی کشور، با تأکید بر هویت اسلامی، انقلابی و ایرانی، باید در کنار اجرای طرح‌های اقتصادی و عمرانی پروژه‌های فرهنگی استفاده از آن طرح، قبل و بعد از اجرای پروژه را دائماً مورد نظارت قرار داده و نقاط ضعف آن را بپوشانند و نقاط قوت آن را مستمراً مورد تقویت و ارزیابی قرار دهند (همان).

در ادامه تکمیل این مباحث بود که رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در آذرماه سال ۱۳۸۶، ضرورت تهیه پیوست فرهنگی برای طرح‌های گوناگون کشور را مورد تأکید قرار دادند و فرمودند «در طرح‌های گوناگون که در کشور تنظیم می‌شود، طرح‌های پولی و مالی و عمرانی، حتماً یک پیوست فرهنگی وجود داشته باشد» و همچنین در نخستین بند سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵، ابلاغی از سوی رهبر معظم انقلاب و نیز در ماده (۲) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، تهیه پیوست فرهنگی برای طرح‌های مهم و جدید توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی، مورد تأکید و تصویب قرار گرفته است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۱/۲۱).

1. Equality Impact Assessment: EQIA.

2. Cultural Impact Assessment: CIA.

پس از این ابلاغ، کارگروه تخصصی «مهندسی و پیوست فرهنگی» زیر مجموعه کارگروه مشترک فرهنگ اسلامی- ایرانی، تدوین برنامه پنجم سازندگی در راستای پرداخت به برنامه پنجم توسعه، با حضور دبیر وقت شورای عالی انقلاب فرهنگی^۱ به‌عنوان رئیس کارگروه تشکیل شده و از مهرماه ۱۳۸۷ جلسات خود را آغاز نموده و به نتایجی دست یافت؛ از جمله اصول، محورها و الزامات پیش‌نویس، آئین‌نامه‌های مذکور که جهت اعمال و بهره‌برداری، به کمیسیون فرهنگی دبیرخانه شورا اعلام شد. دبیر این کارگروه ۱۵ نفره، نماینده معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور و سایر اعضای آن، نمایندگان از کمیسیون فرهنگی دبیرخانه شورا، حوزه هنری، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم بوده‌اند (پور صالحی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۹).

در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی که مسئولیت اصلی این طرح را به عهده دارد، کمیسیون حوزوی، کار تهیه نظام‌نامه و آئین‌نامه‌های مربوط به طرح را انجام می‌دهد که تاکنون نظام‌نامه، الگوی تیپ، فرم پرسش‌نامه کلی و شاخص‌های پیامدسنجی فرهنگی توسط ایشان، تهیه شده و به تصویب رسیده است.

۳. مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی

دو اصطلاح در بیان رهبر انقلاب در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، به کار رفته است که به لحاظ صورت، نزدیک و شبیه به هم هستند؛ اما از جهت محتوا و ساخت عناوین، با هم خیلی تفاوت دارند. یکی تعبیر «مهندسی فرهنگ» و دیگری «مهندسی فرهنگی» است.

مهندسی فرهنگی، بستری برای دستیابی به فرهنگ مطلوب در سایه منابع و مقدرات موجود است. ترسیم ابعاد مختلف مهندسی فرهنگی، جهت طراحی و اجرای صحیح، دقیق و همه‌جانبه «نقشه مهندسی فرهنگی»، نیازمند تحرک بیشتر نهادهای فرهنگ‌سازی چون شورای عالی انقلاب فرهنگی است. تأکیدات مکرر مقام رهبری بر این نکته است که «یکی از مهم‌ترین تکالیف ما در درجه اول، مهندسی فرهنگ کشور است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۳).

مهندسی فرهنگ، بدین مفهوم است که با یک بصیرت و یک فکر کلان و نگاه برتر و بالاتر، همه جریان‌های فرهنگی داخل و خارج کشور، دیده شده و مشخص شود که عناصر فرهنگی با چه کیفیتی باید باشند و حقیقت فرهنگ باید به کدام سمت برود. از سوی دیگر، باید حرکت فرهنگ به سمت مطلوب، هدایت و مراقبت شود. هدایت و مراقبت حرکت فرهنگ به سمت مطلوب، با مهندسی فرهنگی کشور انجام می‌پذیرد (ناظمی، ۱۳۸۴: ۳۹).

۱. جناب آقای دکتر مخبر دزفولی.

به عبارت دیگر، هدف مهندسی فرهنگی کشور، برقراری انسجام محتوایی (باورها و ارزش‌های هنجاری شده) بین سیستم‌های فرعی یک جامعه می‌باشد. برای نمونه، باورها و ارزش‌های حاکم بر نظام فرهنگی جامعه باشد. بنابراین، مهندسی فرهنگی عبارت است از فرآیند باز طراحی و وحدت‌بخش هدفمند بین نظام فرهنگی مهندسی شده با سایر نظام‌های فرعی به‌عنوان یک نظام یکپارچه و واحد در این فرآیند، کارکردها و ساختارهای هر یک از نظام‌های فرعی مبتنی بر مفروضات و ارزش‌ها و باورهای نظام فرهنگی، بازبینی و بازسازی می‌شود (همان).

۴. مدیریت فرهنگی

مدیریت فرهنگی، مدیریت بر سیستم‌ها و سازمان‌های خرد و کلانی است که با رویکرد و اهداف فرهنگی، مهندسی شده باشند و اداره آن سیستم و سازمان با رویکرد و اهداف فرهنگی، صورت پذیرد. بدین ترتیب، همه دستگاه‌ها، اعم از دستگاه‌های فرهنگی و غیر فرهنگی، اگر دارای اهداف اصلی فرهنگی و یا کارکردهای فرهنگی قابل توجه باشند، باید مهندسی و مدیریت فرهنگی شوند (رضایی، ۱۳۸۸: ۲۹).

۵. پیوست فرهنگی

در حقیقت، آنچه می‌تواند وجه تمایز بحث ارزیابی تأثیر فرهنگی در جوامع مختلف باشد، تفاوت تعریف و برداشت آن‌ها از معنا، مفهوم و به‌ویژه مصادیق فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی است. در نگرش حاکم بر نظام جمهوری اسلامی که حضرت امام ۱ نظریه‌پرداز اصلی آن بودند؛ تکامل نظام اجتماعی، مستلزم ساخت «انسان فرهنگی» دانسته شده و ضمن پذیرش نیازهای مادی و اقتصادی، نقش فرهنگ را تعیین‌کننده و امور دیگر را تابعی از آن می‌دانند: «بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه، دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد. با انحراف فرهنگ، هرچند جامعه از بُعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ و پوک و میان‌تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای، وابسته و مرتزق از فرهنگ غرب باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه، به‌جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد... اگر مشکلات فرهنگی و آموزشی به صورتی که مصالح کشور اقتضاء می‌کند حل شود، دیگر مسائل به‌آسانی حل می‌گردد» (پور صالحی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۹).

رویکردهای فرهنگی مقام معظم رهبری نیز برآمده از همین مکتب است. ایشان نیز در بیاناتشان تأکید دارند که: «فرهنگ، به معنای هوایی است که ما تنفس می‌کنیم؛ شما

ناچار هوا را تنفس می‌کنید، چه بخواهید، چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کثیف باشد، آثار دیگری دارد. فرهنگ یک کشور، مثل هوا است» (۱۳۹۳/۱/۱).

ایشان در ملاقات مورخ ۸۱/۹/۲۶ در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌فرمایند: «من، فرهنگ کشور را در سه عرصه، به‌طور مهم و عام مشاهده می‌کنم: یکی در عرصه تصمیم‌های کلان کشور است؛ یعنی فرهنگ به‌عنوان جهت‌دهنده تصمیمات کلان کشور و در ادامه می‌فرمایند: «بنابراین فرهنگ، مثل روحی است که در کالبد همه فعالیت‌های گوناگون کلان کشوری حضور و جریان دارد» (بنیانیان، ۱۳۸۷: ۱۱۱) و با قائل شدن به نقش زیر ساخت برای فرهنگ جامعه، این سؤال را مطرح می‌کنند که: «فرهنگی که باید در تولید خدمات، ساختمان‌سازی، کشاورزی، صنعت، سیاست خارجی و تصمیمات امنیتی رعایت شود و حدود را معین و جهت را مشخص کنند، چیست؟» دوم، فرهنگ، بعد شکل‌دهنده به ذهن و رفتار عمومی جامعه است و در ادامه فرمودند: «دولت و دستگاه‌های حکومت، نمی‌توانند از این واقعیت به این اهمیت، خود را کنار نگذارند. عرصه سوم، فرهنگ به‌عنوان سیاست‌های کلان آموزشی و علمی دستگاه‌های موظف دولت است» (همان، ۱۱۲). همین نوع نگاه به فرهنگ، جایگاه آن و تعاملات میان ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه است که موجب تعریف طرحی مانند «پیوست فرهنگی» و تأکید جدی بر اجرای آن می‌وزد.

«پیوست فرهنگی» برای طرح‌ها و پروژه‌های مختلف اجرایی، با این پیش‌بینی مطرح شده است که هر طرح و پروژه فنی، اقتصادی، اجتماعی، قضایی و ... در ذات خود بافرهنگ جامعه تعامل دارد (همان، ۱۵۰).

اگر بخواهیم رابطه میان بحث «پیوست فرهنگی» را با سایر موضوعات نام‌برده بیان کرده و علت طرح آن در ادامه این مباحث را بررسی کنیم؛ باید بگوییم که پیوست فرهنگی، یکی از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین ابزارها در مدیریت تأثیر و تأثرات بین فرهنگ و سایر ابعاد اجتماعی، از قبیل سیاست و اقتصاد، محسوب می‌شود (رضایی، ۱۳۸۸: ۸۹).

لذا پیوست فرهنگی، عبارت از مجموعه‌ای است برای شناسایی، اقدام و ارزیابی از آثار و پیامدهای فرهنگی طرح‌ها و فعالیت‌ها که پس از انجام مطالعات لازم و با استناد به مبانی نظری و اسناد بالا دستی، به‌ویژه نقشه مهندسی فرهنگی کشور، متناسب با مقتضیات و شرایط جامعه، ضمن معرفی داده - ستاده یک سیاست اجرایی، طرح یا لایحه، پروژه یا هر فعالیت مهم دیگری، با فرهنگ جامعه، با ارائه راهکارهای عملی برای تقویت آثار مثبت و حذف و کاهش پیامدهای مخرب آن در فرهنگ جامعه، راهنمای مجریان فعالیت‌ها و طرح‌ها در رعایت راهبردها، اعمال الزامات و استانداردهای مربوط

و راهکارها در برنامه‌ها و اقدامات عملی در اجرای آن فعالیت خواهد بود (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۱/۲۱).

آنچه را به عنوان فلسفه وجودی پیش‌بینی پیوست فرهنگی برای طرح‌ها و پروژه‌های جامعه می‌توان ذکر کرد عبارت است از: تلاش آگاهانه و از پیش طراحی شده برای جلوگیری از آثار مخرب فرهنگی بهره‌گیری از علوم، فن‌آوری‌ها، روش‌ها و الگوهای وارداتی همچنین اصلاح کارکردهای فرهنگی فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی داخلی است. تا از این رهگذر، بتوان تأثیرات غیر مستقیم فرهنگی و تأثیرات ناخودآگاه الگوگیری‌ها و بی‌توجهی‌های داخلی را در عرصه تصمیمات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی روزافزون را، به حداقل رساند (بنیانیان، ۱۳۸۹: ۱۴۸).

تا دو دهه پیش، اصلی‌ترین رویکرد برای بررسی مسائل توسعه، اقتصاد توسعه بود؛ آن هم نوعی برداشت از اقتصاد که فارغ از نقش نهادها و تأثیرات خاص تاریخ اجتماعی و فرهنگی به تحلیل متغیرهای مؤثر بر توسعه اقتصادی می‌پرداخت. حال آنکه هر طرح توسعه و هر اقدام توسعه‌ای در ارتباطی تعاملی با مجموعه شرایطی قرار دارد که زمینه اجتماعی و فرهنگی محیط برای آن فراهم می‌آورد (طالبیان و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۶۱).

تلاشی که برای اصلاح «اقتصاد گرایی» صورت گرفته تحت عنوان «فرهنگ گرایی در توسعه» شناخته می‌شود. به‌طور خلاصه، این رویکرد می‌کوشد تا بفهمد یک طرح توسعه، در چه محیطی در حال اجراست؟ اثرات احتمالی آن بر زندگی اجتماعی مردمی که در حوزه تحت تأثیر پروژه قرار دارند، چیست؟ نظام روابط اجتماعی، الگوهای معیشت، ساختار مالکیت و اسکان مردم تحت تأثیر پروژه چه تغییری می‌پذیرد؟ چه کسانی منافع ناشی از اجرای پروژه را کسب می‌کنند و چه کسانی از آن ضرر می‌کنند؟ اجرای طرح، سبب ایجاد مقاومت چه کسانی در مقابل آن می‌شود؟ برای حداکثر کردن سود طرح برای مردم محلی و حداقل کردن زیان‌های آنچه باید کرد؟ هویت فرهنگی و تاریخی یک منطقه یا حتی یک کشور چگونه تحت تأثیر یک اقدام توسعه‌ای قرار می‌گیرد؟ در اثر تعامل میان محیط اجتماعی موجود و شرایط احتمالی بر اثر اجرای پروژه توسعه، سرنوشت نهایی توسعه چه خواهد بود؟ و پایداری زندگی در یک منطقه چگونه بر اثر شروع اقدامات توسعه‌ای تهدید می‌شود؟ (طالبیان و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۶۱)

لذا اهداف تهیه پیوست فرهنگی شده، عبارتند از:

- حفظ، تقویت و گسترش ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی و تعالی فضای فرهنگی کشور با اجرای مطلوب فعالیت‌ها و طرح‌های مهم اقتصادی، عمرانی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ...

- نهادینه شدن اجرای اهداف و سیاست‌های نقشه مهندسی فرهنگی کشور.
- بهره‌گیری از فرصت‌های فرهنگی جامعه برای افزایش اثربخشی فعالیت‌ها و طرح‌ها.
- پیش‌بینی، پیشگیری و بازدارندگی از آسیب‌ها و اصلاح پیامدهای مخرب فرهنگی کلیه فعالیت‌ها و طرح‌ها (همان).

در تعریف معنایی آن نیز می‌توان گفت: ارائه «پیوست فرهنگی» برای طرح‌های مهم به معنی «بررسی تأثیرات متقابل هر فعالیت بزرگ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر نظام به هم پیوسته اعتقادات، ارزش‌ها و گرایش‌ها مردم یک جامعه که همان هسته مرکزی فرهنگ است» می‌باشد (بنیانیان، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

۶. فضای مجازی

واژه «فضای سایبر» نخستین بار توسط «ویلیام گیbson» نویسنده کانادایی داستان‌های علمی-تخیلی، در کتاب «نورومنس» در سال ۱۹۸۴ به کار برده شد. فضای سایبری برای گیbson در حقیقت یک فضای تخیلی بود که در آن تمامی انسان‌ها، ماشین‌ها و منابع اطلاعاتی در جهان به گونه‌ای از طریق رایانه‌های متعدد به هم متصل بودند. از این‌رو، مفهوم سایبر از دیدگاه گیbson، شاید به نوعی با هوش مصنوعی و رباتیک، نزدیک‌تر است تا آنچه امروزه به نام فضای سایبر، شناخته می‌شود (بابایی و خانیکی، ۱۳۹۰: ۷).

فضای سایبر، از دو واژه مجزا شکل گرفته است که این دو واژه در کنار هم، مفهوم واحدی را با عنوان فضای سایبر خلق کرده‌اند، از این‌رو، بهتر است ابتدا این مفهوم واحد را شکسته و جزء به جزء بررسی نموده و سپس مجدداً آن‌ها را در هم ادغام کنیم. کار را با واژه «سایبر» آغاز می‌کنیم. این واژه که از ریشه یونانی لغت «کنترل» گرفته شده و به طور ترکیبی در واژه سایبرنتیک به کار رفته، پیشوندی است برای توصیف یک شخص، یک شی، یک ایده و یا یک فضا که به دنیای کامپیوتر و اطلاعات مربوط است. کاربرد دیگر واژه سایبر در ارتباط با مفهوم دیگری تحت عنوان «ارگانیزم سایبر یا سایبرارگ» است که دلالت بر امتزاج ماشین و ارگانیزم انسانی دارد و حاصل پیوند بین طبیعت، جامعه و تکنولوژی است (ر.ک: غلامحسین زاده، ۱۳۹۲: ۲۷۱-۲۵۵).

«فضا» دومین واژه‌ای است که در عبارت «فضای سایبر» به کار رفته است. معمولاً مفهوم «فضا» در مقایسه با مفهوم مکان، توصیف و تعریف می‌شود و بدون شک، نخستین وجه تمایزی که در جریان مقایسه مکان و فضا برجسته است، سطح انتزاع این دو مفهوم است. فضا در مقایسه با مکان، مفهومی بسیار انتزاعی و به سختی قابل تصور بوده، به طوری که درک این مفهوم، بدون واسطه درک «مکان» برای ما موجودات فیزیکی، غیر ممکن است. در حقیقت، «فضا» دال بر همه جا و «مکان» دلالت بر جایی معین است و از همین رو است

که تصور همه جایی، بسیار دشوارتر از جایی خاص است. در حقیقت، فضای مجازی مانند هر فضایی دارای موقعیت جغرافیایی، فیزیکی یا محدوده سرزمینی خاص نیست، ولی با این وجود، نوعی واقعیت برجسته در جهان معاصر است؛ چراکه ما کنشگران انسانی، هر روزه در آن دست به عمل می‌زنیم، با آن در تعامل هستیم، از آن یاری می‌طلبیم و با او به داد و ستد اطلاعات می‌پردازیم. مایکل بندیکت، فضای مجازی را به عنوان جهانی نو و موازی با جهان واقعی و مخلوق رایانه‌های جهان و ارتباط‌های بین آنان تعریف می‌کند. جهانی (فضایی) که در آن انباشت جهانی از دانش، سرگرمی، شاخص‌ها، مقیاس‌ها، کنش‌ها و از همه پر اهمیت‌تر، انباشتی از عاملان انسانی تغییر یافته و دگرگون شده، شکل یافته است (کاوندی کاتب، ۱۳۸۹: ۶۳-۶۴).

فضای سایبر عبارتی است که در دنیای اینترنت، رسانه و ارتباطات بسیار شنیده می‌شود. وقتی صحبت از فضای مجازی به میان می‌آید مردم اغلب به کامپیوتری فکر می‌کنند که به اینترنت متصل است در حالی که این فقط بخش بسیار کوچکی از فضای سایبری را تشکیل می‌دهد. از نگاه دیوید بل (۲۰۰۱)، فضای سایبری فقط مجموعه‌ای از سخت‌افزار نیست؛ بلکه مجموعه از تعاریف نمادین است که شبکه‌ای از عقاید و باورها را قالب دادوستد بیت رد و بدل می‌کنند. کینزا، فضای سایبری را برای مثال محیطی بر ساخته از اطلاعات نامرئی - اطلاعاتی که می‌تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد-، تعریف می‌کند (غلامحسین زاده، ۱۳۹۲: ۲۷۱-۲۵۵).

محمود بابایی به نقل از بل^۱ (۱۳۹۰)، فضای سایبر را یک دنیای جدید و موازی می‌داند که با خطوط ارتباطی و کامپیوترهای جهان خلق و نگهداری می‌شود. دنیایی که در آن تردد جهانی شدن، رموز، سنجش‌ها، شاخص‌ها، سرگرمی‌ها و عاملیت دیگر انسانی شکل می‌گیرد (بابایی و خانیکی، ۱۳۹۰: ۷).

اما فضای سایبر دنیای واقعی است که در آن افراد بدون محدودیت زمان و مکان از طریق شبکه‌های متعدد با یکدیگر در ارتباط‌اند و به داد و ستد اطلاعات می‌پردازند. از این رو حفظ و بقای این فضا به ارتباطات و تعاملات بین افراد و اشتراک اطلاعات و دانش بین آن‌ها بستگی دارد (غلامحسین زاده، ۱۳۹۲: ۲۵۵-۲۷۱).

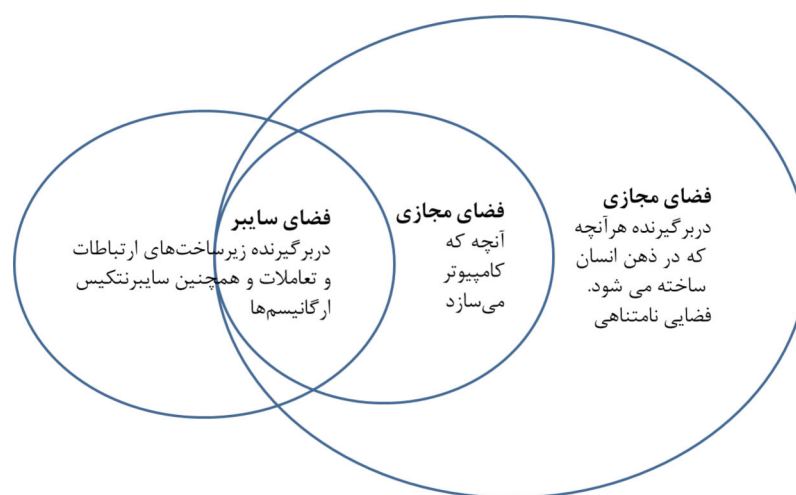
در هر حال فضای سایبری در هر تعبیری و با هر تعریفی، قلمروی وسیع، بدیع و بکر است که برای ساکنان خود امکانات، آزادی‌ها، فرصت‌ها، دلهره‌ها، آسیب‌ها و محدودیت نوینی را به همراه دارد. اهمیت این قلمرو تا حدی است که امروزه برخی اندیشمندان صحبت از دو جهانی شدن دنیای معاصر می‌کنند. لازم است بدانیم که اینترنت مترادف با فضای سایبری نیست بلکه اینترنت ابزار ورود به فضای سایبر است (همان).

1. Bell

۶-۱. تفاوت فضای سایبر با فضای مجازی

آیا فضای سایبر همان فضای مجازی است؟ متأسفانه در بسیاری از منابع منتشر شده، واژه سایبر^۱ را هم‌معنا با فضای مجازی می‌دانند و به جای هم استفاده می‌کنند که اشتباه است، فضای سایبر اگرچه مجازی است به این معنا که در عالم واقعیت وجود ندارد؛ اما دقیقاً معادل واژه مجازی^۲ نیست. برای این منظور، لازم است اشاره کنیم واژه مجازی، دو حوزه را پوشش می‌دهد، هم بیان آنچه در جهان واقعیت وجود ندارد به کار می‌رود و هم در علوم کامپیوتر برای توصیف آنچه توسط سیستم رقم می‌خورد اما هنگام استفاده از واژه‌ی مجاز باید دقت کنیم کدام را مدنظر داریم (همان).

این دو فضا با تمام اشتراکی که دارند، یکی نیستند، به‌عنوان مثال، ارتباطات و زیرساخت‌های مخابراتی، جزئی از فضای سایبر هستند. از طرف دیگر، یک کامپیوتر تنها که به اینترنتی متصل نیست و از طریق آن، ارتباطی رقم نمی‌خورد، فضای مجازی دارد اما سایبری نیست. فضای مجازی می‌تواند به اینترنت و کامپیوتر ارتباطی نداشته باشد. می‌تواند در تخیل ما باشد. مانند داستان‌های ژول‌ورن^۳ که خواننده را به جهانی دیگر می‌برد و یا بازی‌های مختلفی که بر اساس جهان واقعی شبیه‌سازی می‌شوند. پس در هنگام استفاده از این مفاهیم باید دقت لازم را داشته باشیم. شهاب^۴ هم که از اتصال دستگاه‌های ارتباطی و تعاملات انسانی بهره می‌برد، مطابق شکل ۲-۱ در محدوده فضای سایبر قرار می‌گیرد و این دسته‌بندی، موجب اصلاح نگاه محقق، کارشناسان و مسئولین شتاب، در اتخاذ تصمیمات لازم می‌شود (همان).



شکل ۱- اشتراک فضای مجازی واقعی و فضای سایبر

1. Cyberspace
2. Virtual
3. Jules Gabriel Verne.

۴. شبکه اطلاع‌رسانی بسیج.

۷. فرهنگ سایبری

اکنون، پیشرفت فناوری‌های نوین در زندگی روزمره افراد، پدیده‌ای را به نام «فرهنگ سایبر» یا «فرهنگ کامپیوتر» ایجاد نموده که دامنه و ماهیت آن تا حدودی ناشناخته مانده است (بابایی و خانیکی، ۱۳۹۰: ۵۰).

درواقع فرهنگ سایبری یک حرکت وسیع فرهنگی و اجتماعی است که رابطه تنگاتنگی با علوم اطلاعات پیشرفته و فناوری اطلاعات دارد. بیشتر محققین، دهه ۱۹۶۰ را زمان ظهور این پدیده در بین افراد جامعه می‌دانند که بر پایه یک نمونه فرهنگی کوچک و ایده‌های آن شکل گرفته است.

هرگاه انسان‌ها در خلال زمان با یکدیگر تعامل برقرار می‌نمایند، فرهنگ‌های جدید به وجود می‌آیند. در فضای مجازی، فناوری‌های کامپیوتری شبکه‌ای، فرآیندهای ساختار فرهنگی را شکل می‌دهند (یا مانع می‌گردند یا بلوکه می‌کنند) و شکل‌گیری این فرآیند را تسهیل می‌بخشند. اگرچه مباحثات در خصوص ماهیت فرهنگ مجازی به افراط کشیده می‌شود، اما یک نکته، به شدت واضح و مبرهن است که در حوزه تعامل کامپیوتر-انسان، دیگر زمان کافی و مقتضی برای تمرکز بر تعامل میان ماشین و انسان وجود ندارد. هر کوششی در راستای بررسی ارتباطات انسانی شبکه‌ای باید تعامل انسانی را با فرهنگ‌های فضای مجازی در نظر گیرد که فناوری‌های کامپیوتری مسبب آن بوده‌اند (همان).

رسانه‌های اجتماعی مجازی به عنوان یکی از مظاهر ارتباطی جدید، امروزه به بخشی از زندگی واقعی مابدل شده و به رغم کاربردهای فراوان و مفیدش، برای برخی از صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران این عرصه، نگرانی‌هایی را در زمینه تهدید اصول و ارزش‌های مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و... ایجاد کرده است، محیط فضای مجازی یا سایبری، عالمی است که قواعد و ویژگی‌هایی دارد و رسانه نیز در این عالم متناسب با مقتضیات آن کار می‌کند (همان).

در سنت دیرینه جامعه‌شناسی، کنش اجتماعی را می‌توان در بنیادین‌ترین سطح، الگوی متغیر روابط طبیعت و فرهنگ دانست. نخستین الگوی رابطه این دو قطب اصلی هستی انسان، سلطه طبیعت بر فرهنگ بوده است (مبارزه بشر در برابر خشونت مهار ناپذیر طبیعت). دومین الگوی رابطه که در عصر مدرن ایجاد شده است، سلطه فرهنگ بر طبیعت بوده است که جامعه را با فرایند کار شکل داد. اکنون در آستانه ورود به مرحله جدیدی هستیم که در آن مرجع فرهنگ، خود فرهنگ است که در پیروزی بر طبیعت تا جایی پیش رفته است که طبیعت را به گونه‌ای تصنعی به عنوان یک شکل فرهنگی، احیا نموده است. همگرایی تکامل تاریخی و تحول تکنولوژیک، ما را وارد الگوی ناب فرهنگی

تعامل اجتماعی و سازمان اجتماعی کرده است. به همین دلیل جریان‌های پیام‌ها و تصاویر بین شبکه‌ها، ستون فقرات ساختار اجتماعی ما را شکل می‌دهد (محسنی، ۱۳۸۶: ۵۸). امروزه، فضای مجازی، موجب تغییر شیوه‌ها، اصول تفکر و رفتار بشر گردیده است. به گونه‌ای که می‌توان از آن به انقلاب دیجیتالی نام برد. این دگرگونی‌ها در زندگی اجتماعی بشر تا آنجا پیش رفته است که مفاهیم و فناوری‌های جدید پای به زندگی روزمره گذاشته است، مفاهیمی چون تجارت الکترونیک به معنای انجام معاملات تجاری از طریق اینترنت و سایر شبکه‌های ارتباطی، آموزش الکترونیک به معنای آموزش از طریق اینترنت و بدون نیاز به حضور در سر کلاس، کتاب الکترونیکی به معنای انتشار کتب روی اینترنت، پول الکترونیکی، به معنای خرید اعتباری از طریق شبکه‌های مخابراتی و حتی دولت الکترونیکی به معنای اداره کشور و انجام امور شهروندان از طریق شبکه‌های ارتباطی مانند اینترنت. اکنون، با گسترش و توسعه تکنولوژی‌های جدید ارتباطی در راستای ارائه خدمات سریع و روزآمد، مانند خبر و اطلاعات، زمینه‌ساز اختلالات و نابسامانی‌هایی در ساختار فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بسیاری از کشورهای مصرف‌کننده شده است (ژ. کارنو، ۱۳۸۷: ۸۴). آثار فرهنگی این وضعیت را در جاها و موارد مختلف، می‌توان مشاهده کرد. کانال‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی، سایت‌های متعدد اینترنتی، هزاران رسانه جمعی و مطبوعات، آگهی‌های دیواری و تبلیغاتی، مجلات و کتاب‌های متنوع، همگی نشان از تأثیرات فرهنگی جامعه اطلاعاتی دارند؛ اما این تأثیرات به آن‌ها محدود نمی‌شود، بلکه لباس‌هایی که می‌پوشیم، سبک آرایش مو و صورت، غذاهایی که می‌خوریم، آداب معاشرت و معماری منازل نیز در همین زمینه، قابل ذکر است. فرهنگ معاصر به شکلی عجیب، اطلاعات و ارزش‌های قبل از خود و فرهنگ‌های دیگر را در خود نهفته دارد و از آن‌ها استفاده می‌کند (رفعت جاه و شکوری، ۱۳۷۷: ۵۸).

فضای مجازی، به خودی خود و بدون در نظر گرفتن فرهنگ‌های بیگانه که در ارتباط با یک فرهنگ خاص هستند، عاملی است مؤثر در ایجاد تغییر درون فرهنگی^۱. در نظر کاستلز یکی از پیامدهای مهم گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات نوین مبتنی بر آن، دگرگونی فرهنگ‌هاست. از این‌رو در اثر ایجاد و گسترش شاهراه‌های اطلاعاتی، فرهنگ نوینی در حال ظهور است (رضایی، ۱۳۹۰: ۲۸).

دو مؤلفه کسب هویت و اعتبار در فرهنگ سایبری بسیار مهم است و به بیان «اسلاوی ژیتک» فضای سایبری با هویت ما بازی می‌کند، فضایی که به صورت تصویری هاله‌ای شکل است و نه می‌توان گفت واقعی است و نه می‌توان گفت واقعیت ندارد. از این‌رو، به دلیل نبود تعامل فیزیکی مستقیم، بحث هویت در فضای سایبری حالت پیچیده‌ای به

1. J.Stratton, "Internet and Cultural Shock".

خود می‌گیرد و هویت در فضای سایبری ساخته می‌شود. در فرهنگ واقعی، هویت و اعتبار از مؤلفه‌هایی مانند نوع رنگ پوست، نژاد، کشور، مذهب و ... شکل می‌گیرد که شاید هیچ‌کدام از آن‌ها را ما انتخاب نکرده باشیم؛ اما در فضای سایبری، این کاربر است به هر شکلی که علاقه دارد، هویت خود را می‌سازد. امروزه نمی‌دانیم به‌واقع، در فضای سایبر با چه کسی روبه‌رو هستیم و این امر، درک محیط را برای ما مشکل می‌سازد (غلامحسین زاده، ۱۳۹۲: ۲۵۵-۲۷۱).

۸. ضرورت پیوست فرهنگی در فضای مجازی

امروزه با توجه به توسعه فناوری اطلاعات و ظهور فناوری‌های نوین در این عرصه، رشد چشمگیری را شاهد هستیم و با توجه به نرخ نفوذ اینترنت در کشور، رتبه ایران در میان کشورهای جهان، ارتقاء یافته است.

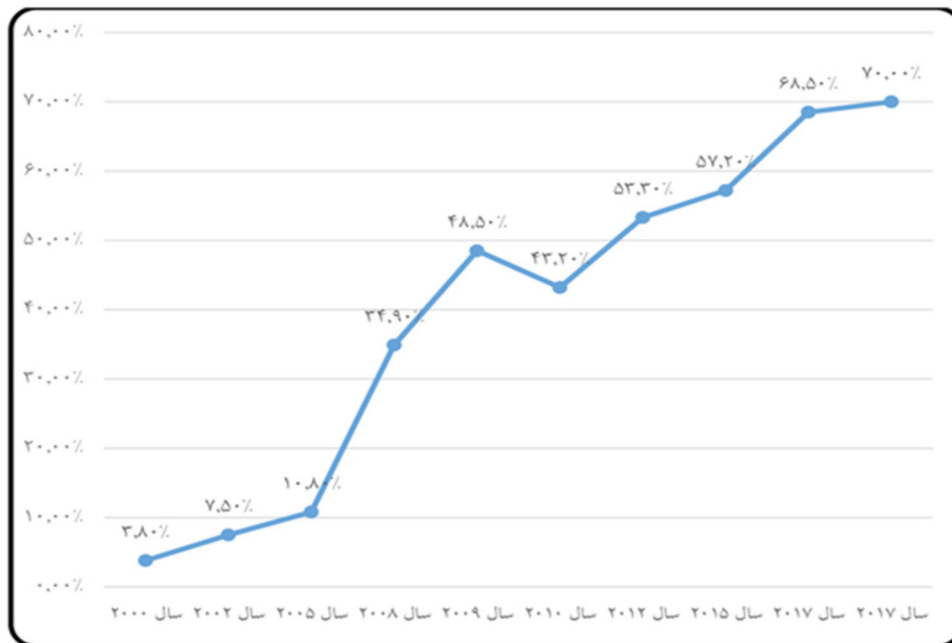
از قرن‌ها پیش تا به حال، بشر برای انجام کارهای ارتباطی، مکاتبات و سایر موارد، از ابزارهای متفاوتی بهره برده است و در طول این سال‌ها، همیشه در تلاش برای توسعه و پیشرفت ابزارهای ارتباطی خود بوده است. با ورود بشر به قرن بیستم، جهش بزرگی در توسعه علم و فناوری ارتباطات و اطلاعات صورت گرفت؛ و ایجاد و گسترش اینترنت، تحولی شگرف در این حیطه، ایجاد کرد.

بر اثر این تحول، امروزه اینترنت به عنوان ابزاری نوین، نه تنها صرفاً برای انجام کارهای ارتباطی و مکاتبات، بلکه جهت انجام بسیاری از کارهای دیگر همچون کارهای اداری، تجاری، تحقیقات علمی، سرگرمی، تفریح و ... در اختیار مردم قرار گرفته است. شواهد بیانگر این حقیقت است که فناوری اطلاعات و ارتباطات و رسانه‌های جدید در دهه آینده، به بزرگ‌ترین مولد رشد ناخالص ملی کشورها تبدیل خواهد شد و بیش از ۷۰ درصد رشد ناخالص ملی را تحت پوشش قرار خواهد داد.

بر اساس بررسی آمارهای پایگاه علمی^۱ و با توجه به اطلاعات نمودار شماره ۱ می‌توان بیان کرد که در سال ۲۰۰۰ میلادی تنها ۳٫۸ درصد جمعیت ایران دارای اینترنت بوده‌اند که این میزان در سال ۲۰۱۷ میلادی به ۷۰ درصد جمعیت رسیده است. نفوذ اینترنت در ایران از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ در تمامی سال‌ها از یک رشد خطی برخوردار بوده است، به‌جز در سال ۲۰۱۰ میلادی که نسبت به جمعیت سال ۲۰۰۹ حدود ۵٫۳ درصد کمتر

۱. ESI.

پایگاه ای‌اس‌آی، توانایی دارد تا پژوهشگران را از آنالیز کمی به وجود آمدن پژوهش‌ها و روند پیشرفت علوم آگاه سازد؛ و برای این کار ۲۲ رشته انتخابی از بین مجلات موجود در وب آوساینس از سراسر دنیا را که در مؤسسه ای‌اس‌آی وجود دارد، تحت پوشش قرار می‌دهد و نیز حاوی ابزار آماری برای رتبه‌بندی پژوهشگران، سازمان‌ها، کشورها و مجلات به لحاظ میزان استناد با آن‌ها می‌باشد. این پایگاه جامع، به گردآوری آمار و اطلاعات درباره پیشرفت علوم مبتنی بر شمارش انتشار مقالات مجلات از پایگاه علمی تامسون است؛ و شامل حجم مقالات چاپ شده در ۱۰ سال اخیر این مجلات می‌باشد که شامل حدود ۱۰ میلیون مقاله از ۲۲ رشته خاص است که دوره روزآمد شدن آن، هر دو ماه یک‌بار است.



شکل ۲- درصد ضریب نفوذ اینترنت در ایران، بر اساس میزان جمعیت

بروز آسیب‌های نوظهور، می‌تواند زمینه‌ساز نوع جدیدی از آسیب‌های اجتماعی و روانی باشد. به همین دلیل، برنامه‌ریزی برای شناسایی، پیشگیری و کاهش آسیب‌های نوظهور لازم و ضروری می‌نماید. آسیب‌های نوظهور، آسیب‌های مرتبط با فناوری‌های جدید است که آسیب‌های ناشی از استفاده از ماهواره، بازی‌های رایانه‌ای، تلفن همراه و اینترنت می‌توانند در این مجموعه قرار گیرد (بابایی و خانیکی، ۱۳۹۰: ۵۰).

رسانه‌های اجتماعی مجازی به عنوان یکی از مظاهر ارتباطی جدید، امروزه به بخشی از زندگی واقعی مابدل شده و به رغم کاربردهای فراوان و مفیدش، برای برخی از صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران این عرصه، نگرانی‌هایی را در زمینه تهدید اصول و ارزش‌های مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و... ایجاد کرده است، محیط فضای مجازی یا سایبری، عالمی است که قواعد و ویژگی‌هایی دارد و رسانه نیز در این عالم، متناسب با مقتضیات آن کار می‌کند (همان).

فرهنگ، از زیربنایی‌ترین بخش‌های هر جامعه است، فرهنگ، واسطه تمدن و اندیشه در جوامع بشری می‌باشد. به طوری که اندیشه، زیربنای فرهنگ و فرهنگ زیربنای تمدن است. فرهنگ هر جامعه‌ای از اندیشه و نیروی تفکر در آن جامعه، مدد می‌گیرد و به تمدن، به عنوان روبنای خود، مدد می‌رساند. البته این سخن، به معنای این نیست که

۱. انتشار یافته در تار نمای www.sccr.ir.

رابطه میان اندیشه و فرهنگ، رابطه‌ای یک‌سویه است، بلکه می‌توان گفت رابطه‌ای تقدیمی میان اندیشه و فرهنگ وجود دارد. هرچند در تحلیل نهایی این اندیشه است که خصلت تعیین‌کنندگی دارد. ولی به هر حال، رابطه‌ای دو سویه، بین فرهنگ و اندیشه وجود دارد و فرهنگ و اندیشه از یکدیگر تأثیر پذیرفته و بر همدیگر تأثیر می‌گذارند. همین جایگاه واسطه فرهنگ در بین اندیشه و تمدن، نشان از اهمیت این پدیده، در زندگی اجتماعی انسان‌ها را دارد. دقیقاً به دلیل چنین جایگاهی است که در جوامع انسانی برای فرهنگ اهمیت شایانی قائل هستند و در دنیای کنونی مسائلی مانند مدیریت فرهنگی، برنامه‌ریزی فرهنگی و توسعه فرهنگی و اخیراً مهندسی فرهنگی در عرصه‌های متفاوت از جمله حوزه مدیریت فضای مجازی اهمیت زیادی پیدا کرده است. «اجرای پروژه‌های عمرانی، اقتصادی و به‌طور کلی سیاست‌های توسعه‌ای در جامعه، باعث ایجاد تغییرات و دگرگونی‌هایی در حوزه‌های مختلف اجتماعی می‌شود. این تغییرات در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، در مواردی ملموس و بی‌واسطه است؛ زیرا هدف از اجرای پروژه‌های عمرانی، دستیابی به تغییرات و دگرگونی‌های مشخصی در این حوزه‌هاست. از همین رو، زمانی که راهی ساخته و یا سدی احداث می‌شود این اقدامات برای حل دستیابی به هدف معینی انجام می‌شود؛ بنابراین، در اجرای هر پروژه و اعمال هر سیاستی، اهداف مشخص و مورد نظری وجود دارد و انتظار می‌رود اجرای پروژه و پیامدهای حاصل از آن، منجر به حل مسأله و ارتقاء کیفیت زندگی اعضای جامعه هدف شود؛ بنابراین، پروژه‌ها و طرح‌های اقتصادی از یک سو در زمینه فرهنگی معینی اجرا شوند و تحت تأثیر آن قرار دارند و شیوه زندگی افراد جامعه را تغییر می‌دهند، تهیه پیوست فرهنگی، شناسایی مؤلفه‌های فرهنگی مهم و تأثیرات عمده این مؤلفه‌ها بر طرح‌ها و سیاست‌های اقتصادی است».

وجود نظم فرهنگی در جامعه، به عنوان یکی از اجزای اصلی فرآیند پیوست فرهنگی، اشاره به توصیف وضعیت فرهنگی موجود جامعه در می‌کند. در واقع، مسئولین و مدیران فرهنگی جامعه باید ابتدا اقدام به شناخت واقعی فرهنگ منطقه مورد مطالعه خود برای بسترسازی طرح‌های خدماتی، عمرانی، زیباسازی و اقتصادی بنمایند. این شناخت واقعی می‌تواند نقش بارزی در طراحی پروژه‌های منطقه‌ای داشته باشد، اگر این پروژه‌ها به شیوه زندگی مردم منطقه مربوط خواهد شد، منابع و زیرساخت‌های فرهنگی افراد جامعه را در منطقه مورد اجرای پروژه تحت تأثیر قرار خواهد داد. تهیه پیوست فرهنگی امری لازم و ضروری است. در واقع، توصیف واقعی از وضعیت موجود محیط فرهنگی مورد مطالعه، مبنایی برای نشان دادن میزان تغییرات و تأثیرات ناشی از اجرای پروژه‌ها خواهد بود. در راستای شکل‌گیری این فرایند در جامعه اسلامی، می‌توان بخشی از اجزای توسعه این

فرایند در جامعه را بخشی از تهدیدهایی دانست که در جامعه، باعث این شده که ضرورت پیوست فرهنگی مقام معظم رهبری مطرح نمایند. در حال حاضر و در آینده، به دلیل فقدان ابزاری با کارکردهای متصور برای پیوست فرهنگی، نظام مقدس جمهوری اسلامی، با تهدیدات عمده زیر، روبرو خواهد بود:

۱. توسعه نامتوازن و تخریب بنیان‌ها و مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی و اسلامی در جامعه.
۲. آسیب‌پذیری جدی فرهنگی در مقابل تعاملات و تهاجم‌های سنگین سایر فرهنگ‌ها از جمله فرهنگ غرب در عصر حاضر، در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی.
۳. باقی ماندن هدف‌گذاری‌های کلان فرهنگی در حد شعار و لایه سطحی جامعه و عدم دستیابی به چشم‌انداز مطلوب بر اساس آرمان‌های ذاتاً فرهنگی.
۴. فراگیر شدن و اشاعه تضادهای اجتماعی، فرهنگی و مخرب در جامعه اسلامی بحران هویت فرهنگی، اختلاط هویت (ایرانی، اسلامی و غربی) در بین شهروندان از جمله نسل جوان و نوجوان جامعه و ابعاد نامطلوب و نگران‌کننده این چالش‌ها در عرصه‌های مختلف جامعه.

۵. عدم بهره‌وری و ناکارآمدی ابعاد مختلف توسعه در جامعه، به دلیل ناهماهنگی با سازه‌ها و ساختارهای نظام اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی ایران.

۶. تحمیل هزینه‌های سنگین در خصوص ترمیم و اصلاح مسیرهای توسعه‌ای طی شده، در دراز مدت جهت افزایش بهره‌وری و کارآمدی و... (بنیانیان، ۱۳۸۸: ۶۵).

بدیهی است که در چنین روندی یکی از سرمایه‌های اصلی هر فضا، دانش نیروی انسانی و اعتقادات، باورها و گرایش‌های کاربران در تنظیم مناسبات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و... آن‌ها خواهد بود و فرهنگ مجازی یکی از متغیرهای مهم و کلیدی در سرعت بخشیدن به تحولات و دگرگونی‌های فضای اسلامی تلقی می‌گردد و متناسب با درک این اهمیت است که اختصاص نیروی انسانی خلاق و ایجاد رشته‌های مختلف دانشگاهی در حوزه تولید دانش و حل مسائل فرهنگی فضای مجازی شکل می‌گیرد و به دنبال آن، ایجاد سازمان‌های مؤثر اجتماعی، فرهنگی و دینی برای زدودن نقاط ضعف از فرهنگ مجازی فرآیندی کاربردی پیدا می‌کند و بدین ترتیب فضای متعادلی با توسعه‌ای درون‌زا و پایدار شکل می‌گیرد که این مسأله، مرهون اجرای پیوست فرهنگی است؛ اما وقتی منبع ثروتی برای فضایی به دست می‌آید که برای دستیابی به آن تحولات درونی اقتصاد لازم نباشد، بلکه خود کاربران آماده باشند که با استخراج این منابع، بخشی از مابه‌التفاوت ثروت منتقل شده را در اختیار بگذارند، از حاصل این ثروت یکبار مصرف در کنار ده‌ها آثار مثبت، مجموعه‌ای از نابسامانی‌ها و نارسائی‌های فرهنگی و سازمانی در چنین

فضایی شکل می‌گیرد که از مهمترین آن‌ها، نابسامانی ساختاری در فضاهای اجتماعی است تبیین این مسأله، یکی از عوامل کندی پیشرفت اقتصاد ایران، مداخله گسترده دولت‌ها در امور اقتصادی، وجود سازمان‌های بزرگ، اما دارای معایب بوروکراتیک و ترمزکننده در فرآیند توسعه است که این عوامل، خود در فرآیندهای بعدی، زمینه‌ساز شکل‌گیری فرهنگی می‌شوند که در بیانات مقام معظم رهبری به‌عنوان نارسایی‌های فرهنگ عمومی بدان اشاره می‌شود «... یکی همین مسأله فرهنگ به معنای خاص یعنی اخلاق، رفتار، فضائل، معنویات و عقاید در جامعه است که بایستی پالایش و رشد پیدا کند... این را واقعاً باید سنجید و بر اساس آن پیش رفت» (بنیانیان، ۱۳۹۰: ۷۵).

خاستگاه پیوست فرهنگی به‌عنوان ابزاری جدید در مدیریت فرهنگی، حداقل ناشی از دو ضرورت است:

۱. تهدیدها و فرصت‌های فرهنگی که در مقابل نظام اسلامی وجود داشته است یا خواهد داشت.

۲. تجربه سه دهه گذشته که مدیریت و رهبری کشور برای عبور از مشکلات مختلف به کار گرفته است (رضایی، ۱۳۹۱: ۶۳).

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: دنیا، دنیای ارتباطات است، دنیای اتصال و ارتباط است، نمی‌شود حصار کشید. قبل از آنکه بیاید، به فکر باشید که برخورد حکیمانه با این چیست. معنای این همیشه این نیست که ما آن را رد کنیم؛ نه، گاهی یک پدیده‌ای است که ما آن را می‌توانیم قبول کنیم، گاهی پدیده‌ای است که می‌توانیم اصلاح کنیم، گاهی پدیده‌ای است که می‌توانیم یک ذیلی برایش تعریف کنیم که آن ذیل، مشکل آن را برطرف کند. دیر جنبیدن، دیر فهمیدن، دیر به فکر علاج افتادن، این اشکالات را دارد که بعد شما دچار مشکلاتی می‌شوید که نمی‌توانید با آن‌ها مواجه بشوید. پس من نمی‌گویم که فقط موضع دفاعی داشته باشیم. البته وقتی تهاجم هست، انسان باید دفاع کند؛ شکی نیست. توصیه من فقط موضع دفاعی نیست؛ اما موضع اثباتی، موضع تهاجمی، موضع حرکت صحیح باید داشته باشیم. به هر حال در مقابل فرهنگ مهاجم، بدترین کار، انفعال است؛ زشت‌ترین کار، انفعال است؛ خسارت‌بارترین کار، انفعال است. فرهنگ مهاجم نباید ما را منفعل بکند؛ حداکثر این است که بگوییم خیلی خوب، ما در مقابل این نمی‌توانیم یک حرکتی انجام بدهیم، اما منفعل هم نمی‌شویم. منفعل شدن و پذیرفتن تهاجم دشمن، خطایی است که بایستی از آن پرهیز کرد. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۹/۱۹).

پیوست فرهنگی موانع پیش رو برای ساماندهی و اجرای سیاست‌های فرهنگی کشور را مرتفع می‌کند و سیاست‌های حاکم بر چگونگی حضور نقشه‌های فرهنگی با موضوع فضای مجازی را تنظیم می‌کند. بر این اساس؛ پیوست فرهنگی از سویی بایستی ناظر

به سیاست‌های کلان فرهنگی کشور و از سویی مبتنی بر مقتضیات و شرایط حاکم بر فضای مجازی باشد.

۹. کارکرد پیوست فرهنگی در فضای مجازی

اصولاً کارکرد پیوست فرهنگی ساماندهی نسبت بین مدیریت راهبردی و مدیریت اجرایی کشور در حوزه فرهنگ است و سیاست‌های حاکم بر چگونگی حضور نقشه‌های کلان فرهنگی در موضوعات خرد و عینی را تنظیم می‌کند؛ بنابراین، هر دستگاه اجرایی با اطلاع از سیاست‌های کلی می‌تواند نقشه‌ی راه خود برای تدوین پیوست فرهنگی مختص خود را با بهره‌گیری از کارشناسان مربوطه تدوین نماید. اگرچه خلأ وجود یک پیوست فرهنگی کلان در زمینه فضای مجازی همچنان حس می‌شود و درک واحدی از متولی انجام این مهم در سطح جامعه وجود ندارد (شربتیان، ۱۳۹۱: ۴۵).

با اجرای پیوست فرهنگی، سازمان‌ها و مؤسسات و کارگزاران طرح‌های عمرانی و اقتصادی در قبال تأثیرات فرهنگی طرح‌ها، مسئول هستند و اقدامات لازم برای کاهش یا جبران تأثیرات مذکور را باید انجام دهند. پیوست فرهنگی، در واقع، مجرای است که از طریق آن، پیشرفت کشور بدون آسیب به هویت فرهنگی و بومی و بدون تغییر ارزش‌های فرهنگی و دینی انجام می‌شود. گرچه جهت‌گیری پیوست فرهنگی به سمت حفظ ارزش‌ها و میراث فرهنگی است (بنیانیان، ۱۳۸۹: ۱۴۸). اما در همان حال، زمینه‌ساز اجرای موفق و صحیح پروژه‌ها در فضای مجازی نیز خواهد بود. اجرای پروژه‌های سازگار با فرهنگ بومی و توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی و فرهنگی افراد جامعه، از مؤلفه‌های مهم موفقیت اجرای پروژه است.

تهیه پیوست فرهنگی در طرح‌های فضای مجازی کمک لازمی به توسعه پایدار و همه‌جانبه ارتباطات خواهد کرد. بر این اساس، چشم‌انداز توسعه پایدار مبتنی بر فرهنگ دینی، اسلامی، ایرانی و بومی با قابلیت‌های بسیار بالایی را در فضای مجازی، ایجاد می‌کند که از هم‌اکنون برنامه توسعه متوازن و همه‌جانبه اجتماعی با محوریت فرهنگ در طرح‌های بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت مورد توجه مدیران حوزه فضای مجازی باید قرار گیرد. عدم توجه به روند متناسب‌سازی فعالیت‌های جاری در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ارتباطات با اهداف و محوریت بخشیدن به فرهنگ اسلامی، ایرانی و بومی باعث رشد نامتوازن و از دست رفتن زمان به عنوان مهمترین سرمایه غیر قابل برگشت برای جبران نابسامانی‌های ارتباطات اجتماعی خواهد بود.

مدیران نظام جمهوری اسلامی ایران، در راستای جهش و تحرک شدید اجتماعی فضای مجازی، در کنار شناسایی آن‌ها، توسعه و تحول این فضا، تغییرات عمده این فضا

با توجه به فناوری‌های روز دنیا، از لحاظ فرهنگی و اجتماعی هم باید توسعه این فضا در اجتماع مورد بررسی دائم، ارزیابی و سنجش قرار گیرد تا بتوان تحرک فرهنگی متناسب با ساختار فرهنگی هویت اسلامی و ایرانی به وجود آورد تا اجتماع و ساختار فرهنگی دچار تأخر فرهنگی نگردد. «پیوست فرهنگی سند بررسی تجزیه و تحلیل اثرات برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر فرهنگ جامعه است و نقش مدیران و کارشناسان فرهنگی را در بازشناسی تأثیرات برنامه‌های توسعه‌ای افزایش می‌دهد. هر برنامه، شامل فرآیندهای مستمر و متعددی است و پیوست فرهنگی می‌تواند در تمام مراحل و فرآیندهای برنامه با نظرات فرهنگی راه‌حل توصیه‌ای را برای دستیابی به شرایط و موقعیت سازگاری فرهنگی بررسی، پیش‌بینی ارائه نماید» (فردرو، ۱۳۸۹: ۲۴-۲۵).

رشد فضای مجازی ایران در عرصه‌های مختلف به‌صورت نامتوازن بوده است و عدم توسعه نامتوازن، مشکلات فراوانی در این عرصه ایجاد کرده است. از بُعد دیگر، تجربیات سی و چند ساله‌ای که نظام اسلامی ایران از حضور مداوم مردم در عرصه‌های انقلاب در نظر گرفته است، این است که مردم در عرصه‌های مختلف اجرایی کشور، بدون هیچ‌گونه جهت‌گیری و اغراض سیاسی وارد عرصه شده‌اند و مشارکت پایدار و فعالی را برای تثبیت نظام از خود برگ افتخاری را به‌جا گذاشته‌اند؛ و در استقرار این نظام ولایت‌مدار، حفظ سلامتی کارگزاران جامعه، ضرورت و تعمیق گسترش نظام تلاش کرده‌اند؛ اما در فضای مجازی ما مدیران برای حل معضلات و مشکلات ارتباطات راه‌حل‌های کوتاه‌مدت و یا مُسکنی به این فضا تزریق کرده‌اند و به‌صورت جدی، به معضلات توجه کافی و شناخت عمیقی نداشته‌اند و راه‌حل‌های جامعی را در نظر نگرفته‌اند؛ شاید به دلیل این نقص بوده است که در راستای نقش اصلاحی پیوست فرهنگی مقام معظم رهبری، همواره توقعات جامع خود را در عرصه فرهنگ خطاب به شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح فرموده‌اند: «مباحثی چون لزوم مهندسی فرهنگی، لزوم حضور شورا در مراحل تدوین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، ضرورت تهیه طرح جامع تحول در نظام‌های آموزشی کشور و در آخرین تذکر خود از ضرورت وجود «پیوست فرهنگی» برای طرح‌ها و فعالیت‌ها سخن گفته‌اند. ایجاد اجبار قانونی در مجلس شورای اسلامی برای تهیه «پیوست فرهنگی» برای همه طرح‌ها و لوایحی که به مجلس می‌آید یا در سطح هیئت دولت مورد بررسی قرار می‌گیرد، می‌تواند گامی بلند در رفع حاشیه‌نشینی فرهنگ در فرآیند مردم‌سالاری باشد. به عبارتی، تهیه «پیوست فرهنگی» برای طرح‌ها و لوایح قانونی است که مردم‌سالاری دینی را تجلی عینی می‌بخشد. بر این مبنا، ایشان به شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌فرمایند: «حق بزرگی است که مردم بر گردن حکومت دارند، حق رشد فضیلت‌ها و پیشرفت در زمینه معنویات است. این حق را باید حکومت ایفاء کند، این مطلب مهمی است که باید برایش

برنامه‌ریزی و فکر شود» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۲).

از منظر دیگر، وقتی انتظار داریم با گذشت چند دهه از عمر نظام مقدس جمهوری اسلامی، آثار شکل‌گیری تمدنی تازه را مشاهده کنیم، لازمه آن، حضور جهان‌بینی و اندیشه ناب اسلامی در تمامی نمادهای کلامی، ارتباطی و ساختارها و سازمان‌های اداره‌کننده یک فضا است، به ترتیبی که وقتی یک فرد خارجی وارد فضای ما می‌شود، این تفاوت برای او، مشهود بوده و احساس نماید در بطن این فضا، شکل متعادل و زیبایی از یک حیات متفاوت در حال شکل‌گیری است. «در حال حاضر، سرعت تغییرات در جامعه ما، موجب گردیده است که در بسیاری از موارد از جمله فرهنگ تغذیه، لباس پوشیدن، معماری، شهرسازی، زبان و ادبیات و نوع سازمان‌دهی امور اجتماعی، مجموعه نامتعادل و بعضاً متضادی از انواع فرهنگ‌ها را مشاهده نماییم و علاوه بر احساس بی‌هویتی در نسل جدید، روحیه یأس و ناامیدی و باری به هر جهت، در بخش‌هایی از افراد جامعه ظاهر شود، ایجاد یک سازوکار منسجم مدیریت‌شده برای سیاست‌گذاری در نحوه تدوین «پیوست فرهنگی، طرح‌ها و پروژه‌ها، می‌تواند در یک‌روند تدریجی بسیاری از این نابسامانی‌ها را حل و فصل نماید و بستر جامعه را برای ایجاد زیرساخت‌های تمدنی جدید، مبتنی بر اصول و اندیشه اسلامی همراه با بهره‌گیری از علوم و فن‌آوری‌های جدید فراهم سازد» (رضایی، ۱۳۸۶: ۴۲).

در مجموع، نقش پیوست فرهنگی می‌تواند «در راستای تقویت فرهنگ توسعه و کسب معلومات و تجربیات مربوط به موانع پیشرفت بومی و محلی نیز بهره‌برداری شود و به اجرای بهتر برنامه‌ها یاری رساند. ارزیابی دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی برنامه و جمع‌بندی از تجربیات و عبرت‌آموزی و تشخیص راه‌حل‌ها و مشکلات جدید به وجود آمده و تشخیص مسیر تغییرات فرهنگی و اجتماعی مثبت و منفی از نتایج پیوست فرهنگی است. پیوست فرهنگی به وجود آوردن امکان و شرایط حضور مدیران و کارشناسان فرهنگی در برنامه‌های پیشرفت کشور و ایجاد هماهنگی و سازگاری با اهداف و سیاست‌های فرهنگی است و موجب تقویت مسئولیت‌های فرهنگی و اخلاقی و ارزش متخصصان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌شود. مدیران امور فرهنگی در این شرایط می‌توانند آشنایی بیشتر و دقیق‌تری از پیچیدگی‌های برنامه‌ها اقتصادی و اجتماعی و سیاسی داشته باشند و در ارتباط متقابل با برنامه‌های توسعه‌ای برای گسترش امکانات فرهنگی همسو با برنامه‌های اقتصادی بهره‌گیری نمایند» (سند چشم‌انداز توسعه ۲۰ ساله).

بر این اساس، مفهوم پیوست فرهنگی در فضای مجازی نظام اسلامی ایران، تقویت باورهای اسلامی و فضایل و ارزش‌های اصیل شریعت علوی و نبوی است، این فرآیند، با تأکید بر آرمان‌های دینی، ملی و بومی جامعه به دنبال توسعه دانش محلی و هنرهای متعهد ایرانی و اسلامی، فنون سنتی و آداب و رسوم صحیح اسلامی و ایرانی است. این

فرآیند، از طریق آموزش‌های ارزشی و هنجاری در جامعه به دنبال مبارزه با خرافات و کج‌اندیشی‌ها می‌باشد، فرآیند پیوست فرهنگی، با کج‌روی‌های دفاع از انسانیت و استقلال فضای مجازی باید از طریق عناصر فرهنگی نظام جمهوری اسلامی مبارزه کند و باید چنین مبارزه‌هایی را در برنامه‌های اقتصادی، خدماتی و توسعه‌ای مدنظر قرارداد. فرآیند پیوست فرهنگی در حوزه طرح‌های فضای مجازی باید گزارشی از میزان تقویت ارزش‌های فرهنگی را ارزیابی کند (بنیانیان، ۱۳۸۸: ۷۸).

فرآیند پیوست فرهنگی در فضای مجازی، اشاره به تأثیر فرهنگ بر زمینه‌های خدماتی، عمرانی و اقتصادی اجتماع، می‌کند که باید در هر برنامه و طرح‌ها این فرآیند به اجرا گذاشته شود. مدیران، دولتمردان و برنامه‌ریزان در هر نقطه باید تا حد زیادی در کنش و واکنش با فرهنگ آن فضا طرح‌های خدماتی، توسعه‌ای و اقتصادی را به صورت مستمر و پایدار با تأسی از ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها، توانایی‌های فکری و عملی موجود در فرهنگ بومی و محلی، دائماً فرهنگ مجازی را نسبت به اجرای برنامه‌ها و طرح‌های قبل و بعد از عملیات اجرایی مورد نظارت قرار دهند و به تقویت فرهنگ و حل مسائل و مشکلات ناشی از ارزیابی‌های فرهنگی بپردازند. از بُعد دیگر، ارتقاء و اعتلای فرهنگ مجازی در فرآیند اجرای برنامه‌ها باید مورد توجه قرار گیرد (همان).

نقش سازنده فرآیند پیوست فرهنگی به این مسأله اشاره می‌کند که:

۱. «اهداف اصلی و غائی نظام اسلامی، بهبود مستمر و استقرار اعتقادات، ارزش‌ها و جهان‌بینی اسلامی در تمامی روابط جامعه و ارتقاء اخلاقیات اصیل انسانی و اسلامی در بین تمامی آحاد جامعه است و از رهگذر اجرایی شدن پیوست‌های فرهنگی است که در روند تحقق این اهداف، تسریع می‌شود.

۲. قدرت، مشروعیت، نفوذ جهانی نظام جمهوری اسلامی ایران در شرایط امروز جهانی در گرو رشد اعتقادات دینی و حفظ ارزش‌های اسلامی در بین کارگزاران، نخبگان و توده مردم است و اجرایی شدن فرآیند پیوست‌های فرهنگی، زمینه‌ساز رشد اعتقادات و حفظ ارزش‌های اسلامی در عرصه‌های مختلف است.

۳. حفظ و تقویت هویت ایرانی و اسلامی جامعه، در شرایطی که سرعت پیدا کردن فرآیندهای جهانی‌شدن فرهنگ، می‌تواند هویت جوامع را به خطر اندازد، یکی دیگر از آثار ارزشمند اجرایی شدن پیوست فرهنگی است.

۴. با شکل‌گیری یک جامعه توسعه‌یافته مبتنی بر اعتقادات اسلامی است که الگویی عملی و موفق برای حفظ هویت کشورهای اسلامی و ایجاد یک هویت مشترک برای مقابله با استکبار جهانی فراهم می‌شود و این مهم، وقتی فراهم می‌شود که ارزش‌های اعتقادی و اخلاقی، خود را در سازمان‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیز عینیت بخشد» (بنیانیان، ۱۳۸۸: ۷۸).

فرآیند پیوست فرهنگی در حوزه طرح‌های فضای مجازی باید گزارشی از میزان تقویت ارزش‌های فرهنگی را ارزیابی کند. در واقع، باید در طرح‌های اقتصادی، خدماتی و توسعه‌ای فضای مجازی نظام جمهوری اسلامی ایران:

۱. پیوست فرهنگی موجب درونی کردن هزینه‌های فضای مجازی خواهد شد. هزینه‌های ناشی از خسارات اجتماعی شبکه یا سیاست‌گذاری (هرچند که پنهان باشند) باید به هر طریق به عنوان بخشی از هزینه اقدام لحاظ شوند. هر طرح یا سیاست‌گذاری باید هزینه خسارات ناشی از خود را بپردازد.

۲. پیوست فرهنگی سطح سلامت و امنیت اجتماعی فضای مجازی را ارتقاء خواهد داد. در هر طرح و سیاست‌گذاری، ارتقاء سلامت و امنیت - بالأخص برای گروه‌هایی که نمایندگی نمی‌شوند یا ناشنیده باقی می‌مانند- باید در اولویت قرار گیرد.

۳. پیوست فرهنگی، موجب تقویت پذیرش تنوع فرهنگی و اجتماعی است که در فضای مجازی ایجاد خواهد شد. پیوست فرهنگی با احترام گذاردن به چشم‌اندازهای فرهنگی، اهمیت قائل شدن برای دانش بومی، تحلیل ذی-نفعان و بازتاب دادن صداها، ناشنیده، عملاً در راستای پذیرش همه‌جانبه تنوع فرهنگی، قومی، اجتماعی و معرفت‌شناختی حرکت می‌کند.

۴. پیوست فرهنگی فضای مجازی مجموعه مطالعاتی حاوی ارزیابی ابعاد و اثرات اجتماعی و فرهنگی، برنامه و شبکه است که به مجریان در تصمیم‌گیری‌ها و طراحی‌ها کمک نموده تا با حداکثر کارایی و حداقل تبعات منفی، اقدام نماید.

۱۰. نتیجه‌گیری

گسترش فرآیند پیوست فرهنگی از بُعد پژوهش جامعه‌شناختی و مطالعات فرهنگی نقش بارزی در حذف تأخر فرهنگی و عقب‌ماندگی بین بخش مادی و معنوی فضای مجازی خواهد داشت. فرآیند پیوست فرهنگی در کاهش تضادهای فرهنگی و سیاسی، نهادینه شدن مشارکت همه‌جانبه و پایدار کاربران این فضا، جامعه مردم‌سالار دینی، نقش بارزی دارد. فرآیند پیوست فرهنگی احیاء و تقویت فرهنگ اسلامی شناخت و اصلاح موانع فرهنگی افزایش اثربخشی فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و... را تسریع می‌بخشد. این فرآیند، در عرصه فضای مجازی جامعه ما با این اهداف، افزایش پیامدهای مثبت فرهنگی پروژه‌های در حال اجرا، کاهش آسیب‌های فرهنگی طرح‌ها، برنامه‌ریزی دقیق اجتماعی و فرهنگی برای جامعه را به دنبال خواهد داشت. در واقع، تحولات و تغییرات گسترده‌ای که از ابتدای شکل‌گیری آغاز حرکت انقلاب اسلامی ایجاد شده و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، این حرکت، همانند قبل به دست امام امت رهبری شده، تجربیاتی که در هشت سال دفاع

مقدس ایثارگران و دولتمردان جامعه به دست آوردند و بعد از جنگ هم رهنمودهای مقام معظم رهبری با تأسی از شرایط و احوال فرآیندهای جهانی، همچنین مبارزه با فرآیندهای استکبار جهانی در قالب تهاجم‌های فرهنگی، تهدیدات جنگ نرم و قدرت تحریم‌های بین‌المللی، علاوه بر این پاسداشت ارزش‌های اسلامی می‌تواند از مهمترین کانون‌های شکل‌گیری این فرآیند در دهه چهارم انقلاب اسلامی باشد. وجود نظم فرهنگی در جامعه به عنوان یکی از اجزای اصلی فرآیند پیوست فرهنگی است، شناخت واقعی فرهنگ فضای مجازی برای بسترسازی طرح‌های خدماتی، عمرانی و اقتصادی امری لازم و ضروری است. بر این اساس، فرهنگ و توسعه آن از طریق فرآیند پیوست فرهنگی منجر به پیشرفت زندگی جامعه، با هدف تحقق ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی خواهد شد.

فهرست منابع

۱. بابایی، محمود و خانیکی، هادی (۱۳۹۱)، «تأثیر ساز و کارهای ارتباطی اینترنت، بر الگوهای تعامل کنشگران فضای سایبر ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی، شماره ۵۶، صص ۷۳-۱۱۵.
۲. باینگانی، بهمن و شکوهی، مرتضی (۱۳۸۸)، «اولین همایش ملی ارزیابی تأثیر اجتماعی؛ تهران: دفتر مطالعات اجتماعی شهرداری تهران، اداره پیوست اجتماعی فرهنگی».
۳. بل، دیوید (۱۳۸۹)، «درآمدی بر فرهنگ‌های سایبر»، ترجمه مسعود کوثری و حسین حسینی؛ تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۴. بنیانیان، حسن (۱۳۹۱)، «پیوست فرهنگی مساجد»، پاسدار اسلام، شماره ۳۶۸.
۵. _____ (۱۳۸۷)، «ضرورت کارشناسی نسبت دین و رسانه»، سوره اندیشه، شماره ۳۹، صص ۴-۶.
۶. _____ (۱۳۸۸)، «مهندسی فرهنگی از نظر تا عمل در جامعه ایران»، سوره اندیشه، شماره ۴۳، صص ۸-۲۱.
۷. پور صالحی، مینو. همکاران (۱۳۹۱)، «بررسی موانع تحقق طرح پیوست فرهنگی بر اساس مقایسه میان نظر نخبگان و مدیران ارشد اجرایی کشور»، راهبرد اجتماعی فرهنگی، شماره ۳، صص ۱۲۱-۱۴۴.
۸. حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۲)، «بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی».
۹. _____ (۱۳۸۳)، «بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی».
۱۰. _____ (۱۳۸۶/۹/۱۷)، «بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی».
۱۱. _____ (۱۳۹۲/۹/۱۹)، «بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی».

۱۲. رضایی، عبدالعلی (۱۳۹۶)، *اصول و روش مهندسی فرهنگ*؛ [ابی جا]: آثار فکر.
۱۳. _____ (۱۳۸۲)، «اقتصاد فرهنگ»، بیناب (سوره مهر)، شماره ۳ و ۴، صص ۱۱۰-۱۱۹.
۱۴. _____ (۱۳۹۰)، «پیوست فرهنگی، چرا و چگونه»؛ سوره اندیشه، شماره ۵۴ و ۵۵، ص ۷۶.
۱۵. _____ (۱۳۹۴)، «تبیین و ترسیم چرخه مدیریت تولید علوم انسانی-اسلامی با رویکرد الگوی مدیریت شبکه‌ای»، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، دوره دوم، شماره ۱، صص ۱۷۷-۲۰۸.
۱۶. _____ (۱۳۸۸)، «درنگ و درایتی پیرامون تحلیل جامعه‌شناختی و تبیین مفهومی پیوست فرهنگی»، نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۱۵، صص ۶۱-۸۸.
۱۷. رفعت جاه، مریم و شکوری، علی (۱۳۸۷)، «اینترنت و هویت اجتماعی»، مجله جهانی رسانه، شماره ۵.
۱۸. ژ. کازنوو (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی*؛ تهران: نشر اطلاعات.
۱۹. شربتیان، محمد حسن (۱۳۹۲)، «مطالعه جامعه‌شناختی پیوست فرهنگی در حوزه مدیریت شهری»، مجله مهندسی فرهنگی، شماره ۷۶، صص ۸۳-۱۰۷.
۲۰. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۲/۱/۲۱)، *نظامنامه پیوست فرهنگی*، مصوب جلسه ۷۳۲.
۲۱. غلامحسین زاده، زهره (۱۳۹۲)، *فضای سایبر: رویکرد مفهومی*؛ [ابی جا]: [ابی نا].
۲۲. کاوندی، کاتب ابوالفضل (۱۳۸۹)، «جهانی‌شدن، اسلام و فضای سایبر»، اندیشه تقریب، صص ۶۳-۶۴.
۲۳. محسنی، منوچهر (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی*؛ تهران: انتشارات دیدار، چاپ اول.
۲۴. ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۹۰)، *چرایی و چیستی پیوست فرهنگی*، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۲۵. _____ (۱۳۹۱)، *درآمدی بر مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور*؛ نشر آثار فکر.
۲۶. _____ (۱۳۹۰)، *مبانی و چگونگی ترسیم نقشه مهندسی فرهنگی کشور*؛ نشر آوای مهر.
۲۷. _____ (۱۳۸۷)، *مهندسی فرهنگی و چشم‌انداز بیست‌ساله*؛ انتشارات مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.